

در انتظار گام دوم آزادی زندانیان

<https://t.me/emadbaghi>

سازندگی، ش ۹۹۷ سه شنبه ۱۲ مرداد ص ۲۱

کاش معنای سیاست این بود
که قفس ها را در آن حبس کنیم
تا نفس ها آزاد شوند
کسی از راه قفس نان نخورد
و کبوتر نفروشد به کسی
(مجتبی کاشانی، کتاب: به آیندگان، ص ۸۶)

به مناسبت فرارسیدن اعیاد سعید قربان و غدیر خم، مقام رهبری براساس بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، با عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دو هزار و هشتصد و بیست و پنج تن (۲۸۲۵) از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند. البته به دلیل اینکه از دوره ریاست آقای صادق آملی لاریجانی به بعد در سایت سازمان زندانها اطلاعات آماري زندانیان را همچون گذشته منعکس نمی کنند که نقض اصل شفافیت و قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و نیز مانعی برای پژوهش درباره وضعیت زندان هاست، دقیقاً نمی توان برآورد کرد که این تعداد از محکومان آزاد شده چند درصد از زندانیان موجود هستند. بدون شک یکی از معیارهای سنجش وضعیت اجتماعی و سیاسی هر جامعه، میزان جمعیت کیفری آن است و هر تلاشی برای کاستن آن نیکوست به ویژه در شرایط کرونایی که خانواده زندانیان بیش از همه مضطربند. لازمه اتخاذ سیاست کاهش جمعیت کیفری، تغییر نگرش متولیان امنیتی و قضایی است. «سیاست شدت عمل» در تاریخ اگر موقتا تاثیری داشته اما هیچگاه نتیجه بخش نبوده است. باید میان «رویکرد تعذیب و شدت و مدل کیفری» و «مدل تشریفات دادرسی» دومی را برگزید که با رویکرد حقوق بشری و آموزه های دینی هم سازگارتر است. امام علی(ع) در خطبه ۱۴۰ درباب ترحم به گناهکاران می گوید: *وَ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ*. شایسته است که افراد پاکدامن و بهره مند از سلامت، با گناهکاران و اهل معصیت، مهربان باشند. عفو نسبت به گناهکار نیز سنت دیرینه حاکمان خردمند بوده است. فرخی سیستانی در مدح امیر ابو یعقوب یوسف بن ناصر الدین سبکتگین در دوره غزنویان در سده پنجم می گوید که او: «زعفوش بهره ورت هر که افزون ترگنه دارد».

هرچند بالا بودن میزان جمعیت کیفری در ایران تابع متغیرهای گوناگونی است. بخشی از آن به دلیل ناهنجاری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که مسئولیت اصلی آن متوجه حکومت است. بخش دیگری از آن نیز

معلول قوانین سختگیرانه و وفور عناوین مجرمانه است که مسئولیت آن هم با حکومت است. در زمان ریاست آیت الله شاهرودی، در قوه قضاییه یک پروژه تحقیقی در دست گرفته شد که میزان عناوین مجرمانه را از بالای ۳۰۰۰ به کمتر از ۲ هزار کاهش دهند اما این پروژه به نتیجه عملی نرسید.

فعلاً تا رفع ۲ علت مذکور، یکی از راه های میانبر، موقت و مُسکِن، این است که از طریق ظرفیت های قانونی دیگر مانند عفو، آزادی مشروط یا مجازات های جایگزین؛ جمعیت کیفری زندان کاهش پیدا کند. اما آنچه که در این میان قابل توجه است زندانیان سیاسی امنیتی هستند که یا اساساً بی گناهند یا اگر مرتکب جرمی شده باشند جنبه دگرخواهانه داشته است. هر چند تعداد این زندانیان نسبت به کل جمعیت کیفری بسیار ناچیز است و معمولاً حدود یک درصد جمعیت کیفری را تشکیل می دهند اما هزینه سیاسی، حقوق بشری و مشروعیتی آن بیش از کل جمعیت کیفری است به دلیل اینکه این گروه کسانی هستند که طبق قوانین خود ایران و طبق قانون اساسی جرم شان به عنوان جرم شرافتمندانه توصیف می شود (نک مقاله: جرم سیاسی یا شنیع ترین جرائم؟ هفته نامه صدا شماره ۸۵ شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ ص ۴۳-۴۴) و در ادبیات حقوق بشری به آنها می گویند «زندانیان وجدان». بلحاظ حقوقی و حقوق بشری به هیچ وجه منظور این نیست که کلیه این زندانیان بی استثنا بی گناه باشند. ممکن است برخی از آنها در مورد انتقاد از حکومت زیاده روی هم کرده باشند اما اصل آزادی بیان از آنها حمایت می کند و می گوید آزادی بیان به معنی حرف خوب و حرف درست زدن نیست، آزادی بیان به معنی حق خطا کردن هم هست لذا ممکن است برخی افراد خطا کرده باشند اما مادامی که به مرز توهین و افترا و آسیب به دیگران نرسیده باشد وصف مجرمانه ندارد.

در طول هفته های گذشته درباره لیست بلندی از زندانیان با برخی دست اندرکاران قضایی که صمیمانه در پی گره گشایی بوده اند رایزنی شده و اطلاعات لازم در اختیارشان قرار گرفته است به امید اینکه در اجرای سند تحول و وعده های اعلامی در مورد تغییر و تحول مثبت دستگاه قضایی به عنوان یک نشانه و شاخص، شاهد بروز اتفاق بزرگی در این زمینه باشیم اما آنچه رخ داده است به صورت ناقص و درباره بخشی از آنها (یعنی فقط محکومین آبان ۱۳۹۸) است در حالی که در این بین افزون بر محکومین آبان، اشخاصی مانند دکتر فرهاد میثمی، خسرو صادقی بروجنی، کیوان صمیمی، نصرالله لشنی، اسماعیل عبدی، امیرسالار داوودی (وکیل دادگستری)، محمد نجفی (وکیل دادگستری در زندان اراک)، خانم گیتی پور فاضل (وکیل) آقایان علیرضا فرشی و عباس لسانی در زندان اردبیل، محمد نوری زاد و فرزندش علی نوری زاد، محمد شریفی مقدم، کسری نوری و فعالان محیط زیستی (مراد طاهباز، نیلوفر بیانی، طاهر قدیریان، هومن جوکار، امیرحسین خالقی، سام رجبی، سپیده کاشانی)، اعضای کانون نویسندگان (کیوان باژن، بکتاش آبتین و رضا خندان مهابادی)، فاطمه مثنی، فاطمه وثوقی، فرشید خدایاری، دکتر رضا اسلامی، امیر حسین مرادی و علی یونسی (دو دانشجوی نخبه دانشگاه شریف)، برادران افکاری و برخی دیگر که ناخواسته ممکن است از قلم افتاده باشند هم مورد بحث بوده اند که

خوشبختانه بعضی از آنها مانند خانم گیتی پورفاضل و آقای نوری زاد با مرخصی بیرون آمده اند. طبق اطلاع از محتوای پرونده های محکومان می توان گفت برخی از آنان کاملاً بیگناهند، برخی نهایتاً خاطی اند نه مجرم و برخی هم مرتکب جرمی شده اند اما در مورد همه زندانیان سیاسی و امنیتی راههای قانونی برای آزادی سریع وجود دارد. بخشی از آنها وقت آزادی مشروط شان هم گذشته اما قانونی که در مورد همه زندانیان اجرا می شود درباره آنها هنوز اجرا نشده است. بخشی از آنها را که مرتکب جرمی شده اند می توان در لیست عفو قرارداد و بخشی از آنها را می توان مرخصی داد و بخشی از آنها را می توان به طور کل پرونده شان را برای اعاده دادرسی و اعمال ماده ۴۷۷ مورد بازنگری سریع قرار داد و تا تعیین تکلیف قانونی آنها در مرخصی باشند و از طریق دادرسی یا ماده ۴۷۷ نشان داده شود که اساساً اصل محکومیت آنها فاقد وجاهت قانونی بوده است به ویژه که توسط دو یا سه شعبه خیلی خاص این محکومیت ها صادر شده که بدون شک اگر همین پرونده ها در یکی از صدها شعبه مستقل دیگر در کشور مورد رسیدگی قرار می گرفت قطعاً محکومیتی صادر نمی شد چنانکه در حال حاضر چند پرونده را سراغ داریم که قضات، افرادی را که در فضای مجازی مرتکب اشتباهاتی شده بودند به استناد حق آزادی بیان از محکومیت معاف کرده و یا حداکثر تذکر داده اند.

یکی از مشکلات بزرگ در جمهوری اسلامی این است که فکر می کنند باید راه رفته دیگران را از اول بروند و نباید تجربه گذشتگان را چراغ راه خود قرار دهند. اگر قرار باشد هر کسی راه رفته دیگران را خودش تجربه کند بشر همیشه مانند اسب عساری درجا می زد و به پیش نمی رفت. رمز پیشرفت این است که انسانها بر شانه تجربیات یکدیگر بالا می روند اما متأسفانه ما راهی را که دیگران رفته اند دوباره طی می کنیم. برای مثال، دنیای غرب نیز زمانی وضعیت توقیف مطبوعات، بگیر و ببند و زندان و انفرادی را پشت سر گذاشته و بعد از هزینه های فراوان به این نتیجه رسیده اند که این شیوه ها هیچ حاصلی ندارد و جز مشروعیت زدایی، انباشت نارضایتی و تضادها، تشدید تنش، خشم و نفرت پراکنی حاصلی بر جای نگذاشته و از طرفی حکومت را از نقدها و مخالفت هایی که به سود آن است محروم خواهد کرد. در نتیجه آن کشورها به اینجا رسیده اند که دهها سال است هیچ توقیف نشریه ای در آن ها مشاهده نمی کنید در حالی که حتی در بحبوحه جنگ هم حکومت را به خاطر سیاست های جنگی اش به صلابه می کشند اما امنیت مطبوعات تهدید نمی شود. یا اینکه فعالان سیاسی تندترین انتقادات را مطرح می کنند. حتی در امریکا احزاب چپگرا کتاب هایی علیه نظام سیاسی نوشته و منتشر می کنند اما چون آزادانه است هیچگاه در هیچ انتخاباتی آنها بیش از ۲ درصد هم رای نیاورده اند زیرا جامعه احساس می کند اینکه چنین آزادی ای وجود دارد که تمامیت نظام سیاسی هم مورد نقد قرار بگیرد نعمتی است که مورد حمایت همین نظم سیاسی است. البته واضعان قانون اساسی در ایران نیز از اصل ۲۴ قانون اساسی همین مقصود را داشتند چنانکه در مذاکرات مجلس خبرگان در شرح اصل ۲۴ قانون اساسی که درباره آزادی بیان است گفته اند که این حق شامل نوشتن کتاب در رد نظام جمهوری اسلامی هم می شود. دکتر

بهشتی نایب رئیس مجلس خبرگان در هنگام بحث پیرامون مفهوم آزادی بیان در اصل ۲۴ قانون اساسی از خبرگان پرسش می‌کند: «خواهش می‌کنم به اصل سوال جواب بدهید. بنده می‌گویم یک کسی آمده کتابی نوشته که اصلاً سیستم جمهوری اسلامی سیستم بدی است. می‌خواهیم بدانیم بر طبق این اصل قانون اساسی باید جلوی کتاب او را بگیرند یا نه؟»

شهید باهنر در پاسخ می‌گوید: «خیر، اگر چنانچه عنوان قیام و اقدام دارد بصورتی که می‌خواهد اصل سیستم را بهم بزند، این البته اشکال دارد ولی اگر بصورت اظهارنظر و بیان عقیده باشد، وقتی که ما اول نوشتیم نشر افکار و عقاید، حتی ممکن است کسی عقیده خودش را که عقیده‌ای غیردینی است بیان کند و می‌خواهد عقایدش را بگوید. او یک طرز فکر اجتماعی، فلسفی و سیاسی دارد و بیان می‌کند». نماینده دیگری (موسوی تبریزی) نیز اصل خدادادی آزادی را مطرح می‌کند و می‌گوید طبق آن «کمونیست هم که نه به مبدأ و نه به معاد اعتقاد دارد حتی در ترویج مرام خود آزاد است». پس از این بحث و با چنین تصویری از آزادی بیان بود که اصل ۲۴ قانون اساسی رأی آورد. (نک: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی. ج ۱ ص ۶۵۰-۶۵۹)

البته مواردی از نقض آزادی بیان و حقوق بشر در همین کشورهای غربی هم وجود دارد اما در اشکالی دیگر و به صورت گاه پیچیده نه ابتدایی و به گستردگی. حضور دولت‌ها و قدرت‌ها در جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین حریم زندگی آنها از طریق فناوری دیجیتال چیزی نیست که بتوان از کنار آن گذشت و... اما مشکل جامعه ما امروز این است که حتی از نظر عدم رعایت حقوق بشر هم در اشکال ابتدایی آن قرار دارد.

بنابراین اگرچه خواست امروز ما به عنوان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر، افزون بر کاهش جمعیت کیفری زندان و استقبال از این اقدام مثبت و ارزشمند قوه قضاییه، تصمیم قاطع برای آزادی زندانیان سیاسی و امنیتی است مگر آن که دست به خشونت زده و یا متوسل به سلاح شده باشند اما این را هم می‌افزاییم که اساساً باید تدبیر و سیاستگذاری و قانونگذاری به گونه‌ای باشد که زندانی سیاسی نداشته باشیم که بعد از آن بخواهیم برای آزادی آنها چانه‌زنی کنیم و یا حکومت برای آن که التهاب را بکاهد یا برای اینکه نشان دهد عزم اصلاح دارد تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کند. برای نشان دادن عزم اصلاح، گام‌های بنیادی و پیشروانه‌ای می‌توان برداشت مانند اینکه اصل «پیشگیری» را که مهمترین وظیفه قوه قضاییه است به صورت علمی و با همکاری نهادهای مدنی و کارشناسی در دستور کار قرار دهند تا اساساً کار به جایی برسد که نیازی به زندان و مجازات نباشد. زندان و مجازات «آخرالدواء» است اما در کشور ما به دلیل اینکه پیشگیری و اهمیت آن هنوز درک نشده و در دستور کار جدی و اولویت اول قرار نگرفته است، زندان و مجازات خودش به عنوان ابزار پیشگیری مورد استفاده قرار گرفته، یعنی اولین دواء شده نه آخرالدواء.

(تیترو روزنامه در انتظار گام دوم عفو است. نسخه نهایی شده اینجا منتشر می‌شود)

کانال گفتارهای باقی

<https://t.me/emadbaghi>